

# پانیوم — شماره بیست و سه

و پس از اتحاد، او با مکر عمل خواهد کرد.

Jeff Pippenger

2026-03-20

دانیال باب یازدهم آیه بیست و چهار، دوره‌ای را که در آن روم بت‌پرست به صورت برتر فرمانروایی می‌کرد با واژه «زمان» مشخص می‌سازد. یک «زمان» در کاربرد نبوی نمایانگر ۳۶۰ سال است، و آن سال‌ها از مشهورترین نبرد دریایی تاریخ باستان، یعنی نبرد آکتیوم در سال ۳۱ پیش از میلاد، آغاز شد. نبردهای دریایی دیگری نیز بودند که از نظر وسعت بزرگ‌تر و از لحاظ راهبردی پیشرفته‌تر بودند، اما آکتیوم به سبب پیوندش با مارک آنتونی و کلئوپاترا، نمادین‌ترین نبرد دریایی بود. از حیث اهمیت تاریخی، همانند فروریختن دیوار برلین در تحقق دانیال ۱۱:۴۰، و برج‌های دوقلو در ۱۱ سپتامبر در تحقق مکاشفه باب هجدهم؛ زیرا هنگامی که خدا رویدادهای تاریخی را برای تحقق کلام نبوی خویش برمی‌گزیند، این کار را به گونه‌ای انجام می‌دهد که توجه بزرگ‌ترین مخاطبان ممکن را جلب کند.

و پس از اتحادی که با او بسته شود، به مکر رفتار خواهد کرد؛ زیرا برخواهد آمد و با قومی اندک نیرومند خواهد شد. او به سلامت حتی بر حاصل‌خیزترین نواحی ولایت داخل خواهد شد؛ و آنچه را که پدرانش نکرده بودند و نه پدران پدران، او خواهد کرد؛ غنیمت و تاراج و اموال را در میان ایشان پراکنده خواهد ساخت؛ آری، تدابیر خود را نیز بر ضد دژهای استوار خواهد اندیشید، اما تا مدتی. دانیال 11:23، 24

اوریا اسمیت مشاهدات خود را درباره اتحادیه میان روم و مکابیان مذکور در آیه بیست و سه با اظهار نظری درباره قوم اندک آیه به پایان می‌رساند.

«در آن زمان، رومیان قومی کوچک بودند و آغاز کردند به مکر عمل کردن، یا با زیرکی، چنان‌که این واژه دلالت دارد. و از این نقطه، با صعودی پیوسته و شتابان به اوج قدرتی که بعدها بدان دست یافتند، برآمدند.»

«[آیه بیست و چهار نقل شد].»

«شیوه معمولی که ملت‌ها، پیش از ایام روم، بدان وسیله به ایالات گران‌بها و سرزمین‌های غنی دست می‌یافتند، جنگ و فتح بود. اکنون روم می‌بایست کاری را انجام دهد که نه پدران و نه پدران پدران انجام نداده بودند؛ یعنی این تملکات را از راه‌های مسالمت‌آمیز دریافت کند. اکنون رسمی، که پیش از آن هرگز شنیده نشده بود، برقرار گردید که پادشاهان، به موجب وصیت، پادشاهی‌های خویش را برای رومیان واگذارند. روم بدین‌گونه به تصرف ایالاتی وسیع درآمد.»

«و آنان که بدین‌سان زیر سلطه روم درآمدند، از این امر منفعتی اندک نبردند. با ایشان به مهربانی و ملاطفت رفتار شد. این همچون آن بود که طعمه و غنیمت در میان ایشان تقسیم گردد. از دشمنان خویش محفوظ داشته شدند، و در ظل قدرت روم در صلح و امنیت آرام گرفتند.»

«در باب بخش پایانی این آیه، اسقف نیوتن این اندیشه را مطرح می‌کند که تدابیری از دژها پیشگویی می‌شود، نه بر ضد آن‌ها. رومیان این کار را از دژ نیرومند شهر هفت‌تپه‌ای خود انجام دادند. «حتی برای مدتی»؛ بی‌گمان زمانی نبوی، یعنی ۳۶۰ سال. این سال‌ها از چه نقطه‌ای باید محاسبه شوند؟ احتمالاً از رویدادی که در آیه بعدی به نظر آورده شده است. «Uriah Smith, Daniel and the Revelation, 272, 273»

اسمیت ادامه می‌دهد و نبرد آکتیوم در ۳۱ پیش از میلاد را نقطه آغاز سید و شصت سال معین می‌سازد. پس از نقل قول آیه بیست و پنج، اسمیت چنین اظهار می‌دارد.

«در آیات ۲۳ و ۲۴ به این سوی پیمان میان یهود و رومیان، در سال ۱۶۱ پیش از میلاد، آورده می‌شویم؛ به زمانی که روم سلطه‌ای جهان‌شمول به دست آورده بود. آیه‌ای که اکنون پیش روی ماست، لشکرکشی نیرومندی را بر ضد پادشاه جنوب، یعنی مصر، و وقوع نبردی چشمگیر میان سپاهیان بزرگ و مقتدر، به معرض نظر می‌آورد. آیا رویدادهایی از این دست در تاریخ روم در حدود این زمان به وقوع پیوست؟ — آری، چنین شد. آن جنگ، جنگ میان مصر و روم بود؛ و آن نبرد، نبرد آکتیوم بود. اکنون به اختصار اوضاع و احوالی را که به این رویارویی انجامید، بررسی کنیم.»

«آنتونی [مارک]، آگوستوس سزار، و لپیدوس، هیئت سه‌نفری فرمانروایی را تشکیل دادند که سوگند خورده بود مرگ ژولیوس سزار را انتقام گیرد. این آنتونی، با ازدواج با اوکتاوی، خواهر آگوستوس، برادر همسر او شد. آنتونی به کارهای حکومتی به مصر فرستاده شد، اما گرفتار افسون‌ها و دلربایی‌های کلئوپاترا، ملکه عیاش مصر، گردید. شور شهوانی‌ای که نسبت به او در دل گرفت چنان نیرومند بود که سرانجام جانب منافع مصر را گرفت، برای خشنود ساختن کلئوپاترا، همسر خود اوکتاوی را رد کرد، برای ارضای آزمندی او ایالت پس از ایالت به وی بخشید، به‌جای روم در اسکندریه جشن پیروزی برپا داشت، و به شیوه‌های دیگر نیز چنان به مردم روم اهانت روا داشت که آگوستوس در برانگیختن آنان به مشارکت مشتاقانه در جنگی بر ضد این دشمن کشورشان هیچ دشواری نداشت. این جنگ در ظاهر بر ضد مصر و کلئوپاترا بود؛ اما در حقیقت بر ضد آنتونی بود که اکنون در رأس امور مصر ایستاده بود. و سبب حقیقی نزاع ایشان، به گفته پرایدو، این بود که هیچ‌یک از آن دو نمی‌توانست تنها به نیمی از امپراتوری روم خرسند باشد؛ زیرا چون لپیدوس از هیئت سه‌نفری فرمانروایی برکنار شده بود، اکنون کار میان آن دو قرار داشت، و چون هر یک مصمم بود که تمامی آن را تصاحب کند، برای به‌دست آوردن آن تاس جنگ را افکندند.» اورایاه اسمیت، Daniel and the Revelation, 273.

از دیدگاه نبوی، نبرد آکتیوم با قانون یکشنبه انطباق دارد، زیرا چنان‌که اسمیت آن را توصیف می‌کند، این نبرد نمایانگر سومین غلبه بر سه مانع جغرافیایی بود که «سلطه جهانی» روم بت‌پرست را برقرار ساخت. همان‌گونه که در مورد روم بت‌پرست بود، هنگامی بود که سومین مانع روم پاپی از شهر روم رانده شد که «سلطه جهانی» روم پاپی در سال ۵۳۸ آغاز گردید. آن دو شاهد به قانون یکشنبه اشاره دارند، در آنجا و زمانی که روم جدید بر هر دو پادشاهی ششم و هفتم نبوت کتاب مقدس غلبه می‌یابد، و بدین‌سان بر سومین مانع خود نیز چیره می‌شود؛ و در نتیجه، «سلطه جهانی» را برای چهل و دو ماه نمادین برقرار می‌سازد.

و به او دهانی عطا شد که سخنان بزرگ و کفرآمیز می‌گفت؛ و به او قدرت داده شد تا چهل و دو ماه ادامه دهد. مکاشفه ۱۳:۵

## روم در برابر مصر

پویایی‌های نبوی جنگ آگوستوس روم علیه مصر و کلئوپاترا، به واسطه شورش مارک آنتونی برانگیخته شد، و آن پویایی‌های نبوی، از سر ضرورت نبوی، باید نمایانگر پویایی‌های نبوی‌ای باشند که در قانون یکشنبه به تصویر کشیده شده‌اند.

در آکتیوم، روم مصر را مغلوب ساخت؛ قدرتی که از اتحادی میان مردی یاغی و زنی ناپاک تشکیل شده بود. اتحاد آنتونی و کلئوپاترا همان ترکیب کلیسا و دولت است. در آکتیوم، روم آگوستینوس بر قدرتی چیره شد که به وسیله ترکیبی ناپاک از کلیسا و دولت نمایانده می‌شد.

## تمثال وحش

کلئوپاترا نمایانگر کلیسایی فاسد است که با آنتونی، نماد روم، همپیمان شده است. کلئوپاترا در این رابطه حاکم بود، چنان‌که اورایا اسمیت این معنا را باز می‌نماید، آنجا که گفت آنتونی «قربانی نیرنگ‌ها و افسون‌های کلئوپاترا، ملکه هرزه مصر، شد.» اتحادیه کلیسا و دولت که به وسیله آنتونی و کلئوپاترا نمایانده شده است، کلئوپاترا را به عنوان قدرت حاکم در این رابطه معرفی می‌کند؛ از این رو، ترکیب کلیسا و دولت که در رابطه آنان نمایان شده است، با تعریف صورت وحش مطابقت دارد—یعنی ترکیب کلیسا و دولت، با زنی که کنترل رابطه را در دست دارد. آکتیوم نمونه‌ای از قانون یکشنبه به زودی در راه بود.

اگوستوس، نمایانگر قدرت پاپی است که در قانون یکشنبه‌ای به زودی آمدنی، بر ایالات متحده غلبه می‌کند. مارک آنتونی شاخ جمهوری خواه حیوان زمین است و کلئوپاترا شاخ پروتستان. آنتونی و کلئوپاترا در قانون یکشنبه‌ای به زودی آمدنی به هم می‌پیوندند و همچون اژدها سخن می‌گویند. هم کلئوپاترا و هم آنتونی نمادهای قدرتی اژدهاگونه‌اند، و هنگامی که در قانون یکشنبه به طور کامل به یکدیگر ملحق می‌شوند، همچون اژدها سخن می‌گویند.

## اژدهایان

یونان و مصر هر دو از نظر نبوی نمایانگر قدرتی اژدهایی هستند، و آنتونی نیز نمایانگر قدرتی اژدهایی بود. مصر در دانیال یازده جنوب بود و یونان غرب. مصر پس از آنکه پادشاهی اسکندر به چهار بخش تقسیم شد، به تصرف بطلمیوس اول درآمد. سپس بطلمیوس اول نخستین پادشاه نبوی جنوب شد و کلئوپاترا آخرین فرمانروای بطلمیوسی در مصر بود. بطلمیوس در مقدونیه، زادگاه اسکندر کبیر، به دنیا آمد.

مقدونیه در شمال یونان قرار داشت، و ادعا می‌کرد که خاستگاه‌های نَسَبی نیاکانی‌اش به قهرمانان اسطوره‌ای یونانی بازمی‌گردد. دولت شهرهای یونانی جنوبی، مقدونیان را نسبت به هلنیست‌های جنوب یونان بربرتر می‌دانستند. مقدونیان دارای نظام پادشاهی بودند، و دولت شهرهای جنوبی (پولیس‌ها) مانند آتن، اسپارت، تبس، قرنتس و جز آن، در جنوب و مرکز یونان و جزایر اژه قرار داشتند. این پولیس‌ها غالباً دارای حکومت‌های دموکراتیک، الیگارشیک، یا مختلط بودند، حال آنکه مقدونیه یک پادشاهی متمرکز با یک دودمان نیرومند سلطنتی (آرگناده‌ها) بود. با این همه، همگی هلنیست بودند، و هنگامی که روم وارد صحنه تاریخ شد، هلنیست‌ها را یونانی نامید. کلئوپاترا واپسین فرمانروای بطلمیوسی بود، که نمایانگر قبیله پادشاهی شمالی یونانیان برخاسته از ناحیه مقدونیه، یا شمال یونان، بود.

## پادشاه جنوب

کلئوپاترا واپسین فرمانروای پادشاهی بطلمیوسی بود؛ پادشاهی‌ای که با بطلمیوس اول آغاز شد، هنگامی که پادشاهی اسکندر به چهار بخش تقسیم گردید. در نبرد آکتیوم، پادشاهی بطلمیوسی، یعنی پادشاه حقیقی جنوب، به پایان خود رسید. پادشاه بعدی جنوب، مصر روحانی می‌بود که در تاریخ انقلاب فرانسه به وسیله فرانسه خدانا‌باور نمایان شد.

و اجساد بی‌جان ایشان در خیابان شهر عظیم خواهد افتاد؛ شهری که از لحاظ روحانی سدوم و مصر نامیده می‌شود، جایی که خداوند ما نیز در آن مصلوب شد. مکاشفه 11:8.

مصر تحت‌اللفظی، در ارتباط با تقسیم پادشاهی اسکندر، پادشاه تحت‌اللفظی جنوب بود؛ اما مصر روحانی، نه به سبب جهت جغرافیایی تحت‌اللفظی، بلکه به واسطه ویژگی‌های نبوی مصر، به عنوان

پادشاه جنوب معرفی می‌شود.

## جنوب و غرب

کلئوپاترا، چون آخرین فرمانروای بطلمیوسی آن پادشاهی بود، از نظر نبوی قدرتی دوگانه، یعنی یونان (غرب) و مصر (جنوب)، به‌شمار می‌رفت؛ حال آن‌که پادشاه بعدی، و سپس پادشاه روحانی جنوب، فرانسه می‌بود، که آن نیز قدرتی دوگانه است و در مکاشفه یازده به‌صورت مصر و سدوم نمود یافته است. عیاشی سدوم با عیاشی کلئوپاترای غرب منطبق است، و کلئوپاترای جنوب با الحاد مصر منطبق می‌باشد. سرشت دوگانه آخرین پادشاه تحت‌اللفظی جنوب با نخستین پادشاه روحانی جنوب همسو بود.

نبرد آکتیوم، اتحاد نامقدس اژدهای روم آنتونی و اژدهای جنوب و غرب کلئوپاترا بود. آنتونی و کلئوپاترا نمایانگر یک کلیسا و یک دولت اند؛ از این رو، فتح آکتیوم به‌دست آگوستوس روم، نمودار غلبه‌ای است که در آن روم بر اتحادی نامقدس دوگانه چیره می‌شود؛ اتحادی که ممثلاً صورت وحش است. سیصد و شصت سال بعد، در تحقق دانیال 11:24، کنستانتین روم را به شرق و غرب تقسیم کرد، زن روم را در غرب باقی گذاشت و مرد روم را به شرق منتقل نمود. غلبه بر جنوب و غرب، در نبرد آکتیوم، پس از یک «زمان» یعنی سیصد و شصت سال، تقسیم شرق و غرب را به‌گونه‌ای نمادین پیش‌نمایی کرد. در رویارویی‌ای پیشین، روم شرقی به آنتونی و غرب به آگوستوس داده شده بود؛ بنابراین، آکتیوم شرق و غرب را گرد هم آورد، اما فقط برای یک «زمان».

## ۳۱ پیش از میلاد و ۳۳۰ میلادی

عیسی همواره پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد؛ از این رو، پیروزی در آکتیوم در ۳۱ ق.م نمونه‌ای از تقسیم امپراتوری به شرق و غرب در سال ۳۳۰ است. آکتیوم ۳۱ ق.م الفای امگا در آن ۳۶۰ سالی بود که در ۳۳۰ به پایان رسید. هم ۳۱ ق.م و هم ۳۳۰، نمونه‌ای از قانون یکشنبه به‌زودی آمدنی هستند، چنان‌که در آیات شانزدهم و چهل‌ویکم دانیال یازده بازنمایی شده است.

## نمادی دیگر

آنتونی روم، که با کلئوپاترای جنوب و غرب هم‌پیمان بود، در درون اتحاد دوگانه ایشان از تصویر وحش، نمایانگر اتحادی سه‌گانه است. صلیب نیز با قانون یکشنبه هم‌راستا است، و از این رو با آکتیوم و ۳۳۰ نیز. در صلیب، اتحادی دوگانه از کلیسا و دولت بدین‌گونه به تصویر کشیده شده است که یهودیان (کلیسای فاسدشده) با روم (دولت) متحد شدند تا مسیح را به قتل برسانند. طرف سوم در این اتحاد در صلیب، به‌وسیله باراباس، یک مسیح کاذب، بازنمایی می‌شود؛ کسی که نامش به معنای «پسر پدر» است. باراباس از نظر نمادین، هنگامی که در تقابل با مسیح به‌عنوان نبی حقیقی قرار داده می‌شود، یک نبی کاذب است. روم، آنتونی بود، و کلئوپاترای جنوب و غرب نمایانگر یهودیان و باراباس بود.

صلیب همچنین با ایلیا بر کوه کرمل هم‌راستا است، جایی که انتخاب بر سر این بود که کدام یک نبی راستین و کدام یک نبی کاذب است. نبی کاذب در آن زمان نمادی دوگانه بود که از انبیای بعل و کاهنان بی‌شبه تشکیل می‌شد. بعل الوهیتی مذکر است و کاهنان بی‌شبه نماینده عشتاروت، الوهیتی مؤنث، بودند. یهودیان در پای صلیب همان عشتاروت، یعنی الوهیت مؤنث، بودند و باراباس، آن بدیل مرد احزان، همان الوهیت مذکر بعل بود.

کلئوپاترا هم ملکه جنوب بود و هم ملکه غرب. آنتونی تصویر روم بود، بخشی از هیئت سه‌گانه تریوم‌ویراتی که سوگند خورده بود انتقام ترور ژولیوس را بگیرد. مرگ ژولیوس بر اثر بیست‌وسه زخم،

نشان‌دهندهٔ زخم مهلک پاپیت در سال 1798 بود، در تحقق آیهٔ چهل دانیال یازده. آگوستین در آکتیوم نمایانگر التیام آن زخم مهلک است. آن زخم هنگامی التیام می‌یابد که آنتونی و کلئوپاترا می‌میرند. آنتونی و کلئوپاترا نمایانگر تصویر وحش در ایالات متحده هستند که موجودیتی نبوی سه‌گانه است و از وحش زمین و دو شاخ آن تشکیل می‌شود. آنتونی یک بخش است و کلئوپاترا نمایانگر دو بخش دیگر است. خواه روم آنتونی باشد، خواه مصر و یونان کلئوپاترا، آنان هر دو در قانون یکشنبه، هنگامی که ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدسی به پایان می‌رسد، با هم می‌میرند. از لحاظ نبوی، کلئوپاترا در نسبت با آنتونی، آمیختگی حيله‌گری کلیسایی و تدبیر کشورداری است، که در آن حيله‌گری کلیسایی، تدبیر کشورداری را می‌فریبد و مهار می‌کند.

### مرگ دوم به صورت نمادین مجسم شده است

در سطحی دیگر از نبوت، رابطهٔ کلئوپاترا با ژولیوس سزار و مارک آنتونی، نمایانگر دو زمانی است که حيلهٔ کلیسایی کلئوپاترا در رابطه‌ای با تدبیر حکومتی امپراتوری روم قرار می‌گیرد. او در سال 1798 به‌وسیلهٔ ژولیوس ترک شد، در نخستین مرگ نمادین خود، در تحقق آیهٔ چهل دانیال یازده؛ و سپس در آکتیوم، در تحقق آیهٔ چهل‌وپنج دانیال یازده، به پایان خود می‌رسد و هیچ‌کس یاری‌اش نمی‌کند. آیهٔ چهل، آلفای نخستین زخم مهلک اوست که باید شفا یابد، و اومگای آیهٔ چهل‌وپنج جایی است که او دومین و آخرین مرگ خود را دریافت می‌کند.

همان‌گونه که چهار قدرت رومی آیات شانزده تا بیست‌ودو، برحسب سیاق، بیش از یک معنا دارند، کلئوپاترا نیز به‌عنوان نمادی کتاب مقدسی، بسته به زمینه، بیش از یک معنا دارد. ژولیوس در سال 1798 او را ترک کرد، هنگامی که حمایت پادشاهانه برداشته شد؛ سپس زخم مهلک او در قانون یکشنبه شفا می‌یابد؛ اما سرانجام ده پادشاه مکاشفه هفده او را به آتش هلاک می‌کنند، آنگاه که او با دومین و واپسین مرگ خود روبه‌رو می‌شود.

کلئوپاترا نمادی از سرشت دوگانه‌ای است که در بی‌خدایی مصر فرعون و فلسفهٔ دینی یونان نمایان شده است. سرشت دوگانه او نمودار کشورداری مصر و کلیسای یونان است. فلسفهٔ دینی یونانی به‌وسیلهٔ الهه یونانی، آتنا، بازنمایی می‌شود؛ همان که به صورت تندیس در معبد او، موسوم به پارتنون، جای داده شده بود. آتنا نماد حکمت است، و او به‌عنوان یک زن، نمایانگر دینی مبتنی بر تعلیم انسانی است، در تقابل با تعلیم الهی.

دو شاخ ایالات متحده عبارت‌اند از جمهوری‌خواهی و پروتستانیسم، که در فرانسه به‌واسطهٔ مصر و سدوم نمونه‌وار نشان داده شدند. مصر سیاست‌ورزی دولتی است و سدوم حيله‌گری کلیسایی؛ ازاین‌رو، جمهوری‌خواهی با مصر و پروتستانیسم با سدوم همسو است. جمهوری‌خواهی مصر است و پروتستانیسم سدوم و یونان است. نماد آموزش انسانی، الههٔ یونانی آتنا است که معبد او پارتنون بود؛ و همتای معاصر آن در معبد پارتنون نشویل ایالت تنسی یافت می‌شود. نماد کلیسای فاسدی که در ایالات متحده در هنگام قانون یکشنبه با شاخ جمهوری‌خواه همسو می‌گردد، به‌صورت کلئوپاترا، عشتاروت، سالومه و سدوم بازنمایی می‌شود.

کلئوپاترا بی‌خدایی فرعون و دین یونانیان را به تصویر می‌کشد. دینی که با فلسفهٔ بی‌خدایی همراه است، پرستش آموزش یونانی است. عیسی همواره پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد، و آن درخت باغ که خوردن از آن ممنوع بود، درخت معرفت نیک و بد بود که نمادی از دین فلسفهٔ یونانی است؛ همان که خواهر وایت آن را «آموزش عالی» می‌نامد. این، دین یونانی حکمت کلئوپاترا را به‌عنوان صورت فاسد و جعلی تعلیم حقیقی، در جدال عظیم میان مسیح و شیطان، مشخص ساخته و بر آن تأکید می‌ورزد.

نشویل، تنسی، «آتن جنوب» خوانده می‌شود، و کلئوپاترا آخرین ملکه حقیقی جنوب بود. آخرین ملکه جنوب، پادشاه روحانی بعدی و نخست جنوب را نمونه‌وار مجسم می‌ساخت که در فرانسه خداناباور تحقق یافت. فرانسه خداناباور، ایالات متحده را نمونه‌وار مجسم می‌سازد، جایی که در نشویل تنسی، «آتن جنوب»، معبد پارتنون الهه آتنا به‌گونه‌ای نمادین بازنمایی شده است. این معبد در West 2500 End در نشویل واقع شده است. عدد بیست‌وپنج نمایانگر در بسته سه مثل متی بیست‌وپنج است. کلئوپاترا، هم به‌عنوان ملکه «جنوب» و هم «غرب»، در آتن جنوب به «پایان» خود می‌رسد.

با این ملاحظات درباره آکتیوم، کلئوپاترا، اوگوستوس و آنتونی، اکنون به آیات بیست‌وچهار تا سی دانیال یازدهم باز می‌گردیم. شاید مبهم‌ترین بخش این متن آنجاست که می‌گوید: «ایشان بر یک سفره دروغ می‌گویند.»

و دل هر دوی این پادشاهان بر شرارت خواهد بود، و بر یک سفره دروغ خواهند گفت؛ اما کامیاب نخواهد شد، زیرا که پایان هنوز در وقت معین خواهد بود. دانیال 11:27.

زمان معین در آن آیه ۳۳۰ است، پایان «زمان» آیه بیست‌وچهار. زمان معین نمایانگر قانون یک‌شنبه برای ایالات متحده است و همچنین نمایانگر پایان مهلت آزمایش بشر برای جهان می‌باشد. پیش از قانون یک‌شنبه، آن دو پادشاه که دل‌هایشان بر شرارت ورزیدن بود، بر یک سفره به یکدیگر دروغ خواهند گفت. پیش از قانون یک‌شنبه آیات شانزده و چهل‌ویک دانیال یازده، دو پادشاه بر یک سفره به یکدیگر دروغ خواهند گفت، اما دروغ‌های ایشان کامیاب نمی‌گردد. آن دو پادشاهی که به یکدیگر دروغ می‌گویند چه کسانی‌اند؟ پیش از آن که به این پرسش پاسخ دهیم، یادآور می‌شوم که برخی از نمادگرایی‌هایی را که پیش‌تر در این سلسله بررسی کرده‌ایم، به خاطر آوریم.

آن چهار فرمانروای رومی، بسته به زمینه‌ای که در آن مورد ملاحظه قرار می‌گیرند، نمایانگر انواع گوناگونی از نمادهای نبوی هستند. هرچند آنان فرمانروایان رومی‌اند، اما به‌عنوان یک نماد، اساساً تاریخ نبوی یهودای باستان را در هنگام گذار از سلطه سلوکیان به سلطه رومیان بازنمایی می‌کنند.

پومپیوس یک سردار بود و سه فرمانروای بعدی روم همگی قیصر بودند. یولیوس در نسبت با آگوستوس، با دو اتحاد سه‌گانه در پیوند با دو تریوم‌ویرات نمایان می‌شود: نخستین، غیررسمی؛ دومین، رسمی. هر چهار فرمانروا در برخی زمینه‌ها نمایانگر قانون یک‌شنبه‌اند. پومپیوس سرزمین جلال را فتح کرد؛ یولیوس، که با بیست‌وسه ضربه خنجر نمایانده می‌شود، فرشته اول است، زیرا او نخستین قیصر است؛ و او نماد فرشته سوم است، که تیبیریاس بود. تیبیریاس بر صلیب، که همان قانون یک‌شنبه است، نیز با عدد بیست‌وسه نمایانده می‌شود، زیرا بیست‌وسه نمایانگر یگانگی کفاره است؛ و صلیب بخشی بس اساسی از کار مسیح در پیوند دادن الوهیت او با انسانیت ماست. پس یولیوس و تیبیریاس، پیام اول و سوم‌اند که با بیست‌وسه نمایانده می‌شوند.

یولیوس آن چهره رمانتیکی نبود که غالباً در افسانه‌پردازی‌های هالیوود از او ترسیم می‌شود؛ او مردی بی‌رحم و شیفته قدرت بود. تیبیریاس از یولیوس بدتر بود، زیرا پلیدی او حتی در آیه نیز مورد اشاره قرار گرفته است، چه آن که آخرین حرف الفبای عبری بیست‌ودو و نخستین حرف آن یک است. آلفا از امگا کوچک‌تر است و پلیدی تیبیریاس در آیه بیست‌ودو قرار دارد، که آخرین حرف الفبای عبری است، و در میان آن دو شخص خبیث که به‌وسیله یولیوس و تیبیریاس نمایانده شده‌اند، آگوستوس قرار داشت. آگوستوس نمایانگر اوج جلال قدرت و اعتبار روم است. او به‌عنوان نقطه مقابل پیام اول و سوم، با حرف سیزدهم نمایانده شده است، که نمادی از عصیان است. آگوستوس پادشاهی خود را با فرونشاندن شورش آنتونی و کلئوپاترا، مشهورترین شورش در تاریخ روم، استوار ساخت.

آگوستوس همان قدرت رومی است که سومین مانع را مغلوب ساخت، و بدین سان نمایندهٔ قانون یکشنبه بود، و نیز آن قدرت رومی که در طول چهل و دو ماه نمادین فصل سیزدهم مکاشفه، یعنی فصل شورش، سلطنت می‌کند. هنگامی که پومپه پیش از قانون یکشنبه قرار داده می‌شود، هم ۱۷۹۸ است و هم ۱۹۸۹؛ و بدین گونه پومپه به نمادی از آنتیوخوس بزرگ بدل می‌شود که چهارمین جنگ سوری را از ۲۱۹ تا ۲۱۷ پیش از میلاد به پایان رساند، در تحقق آیهٔ ده از فصل یازدهم. سپس ژولیوس سزار با آیات یازده و دوازده و با نبرد مرز، یعنی نبرد رافیا در ۲۱۷ پیش از میلاد، هم‌راستا می‌شود. در آنجا ژولیوس نیز آنتیوخوس بزرگ است، و آگوستوس سزار نیز در نبرد پانیوم آیهٔ پانزدهم آنتیوخوس بزرگ است. سپس در آیهٔ شانزدهم، تیرریاس قانون یکشنبه است، اما او آنتیوخوس بزرگ نیست، زیرا در آنجا او پومپه است، چراکه عیسی همواره پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد. این آیه پایان امپراتوری سلوکی را نشان می‌دهد، که نمونهٔ پایان ایالات متحده به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس است.

هم‌ترازی‌های دیگری نیز باید در مورد چهار فرمانروای روم انجام گیرد، و آن خط، تاریخ پنهان آیهٔ چهل را نمایان می‌سازد. خط مکابی آیهٔ بیست و سه نیز تاریخ پنهان آیهٔ چهل را به تصویر می‌کشد. سپس در آیات بیست و چهار، داستان روم امپراتوری بت‌پرست به واسطهٔ یک زمان—سیصد و شصت سال—نمایانده می‌شود. خط تاریخ روم که از آیهٔ بیست و چهار تا آیهٔ سی به تصویر کشیده شده است نیز ترسیمی از تاریخ پنهان آیهٔ چهل است. این خط در آیهٔ سی و یک پایان می‌یابد، هنگامی که موضوع از روم بت‌پرست به روم پاپی تغییر می‌کند. روم بت‌پرست هنوز در آن آیه حضور دارد، اما در آنجا نه به‌عنوان چهارمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، بلکه به‌عنوان قدرت سیاسی‌ای که در سال 538 پاپیت را بر تخت نشاند، بازنمایی شده است. در سال 538، پاپیت قانونی دربارهٔ یکشنبه وضع کرد؛ از این رو آیهٔ سی و یک با آیات شانزده و چهل و یک هم‌تراز می‌شود. آیهٔ بیست و چهار نبرد آکتیوم و تاریخ مرتبط با آن خط را معرفی کرد.

آیهٔ بیست و چهارم زمانی را معرفی می‌کند که روم بت‌پرست به مدت سیصد و شصت سال به‌گونه‌ای مطلق فرمان راند، و سپس در آیهٔ سی و یکم، روم پاپی به مدت هزار و دویست و شصت سال به‌گونه‌ای مطلق فرمان می‌راند. آغاز و پایان این خط، مهر امضای مسیح، آلفا و امگا، را بر خود دارد. در این آیات، تاریخ مارک آنتونی، کلئوپاترا و آگوستوس قیصر را داریم. در آیهٔ شانزدهم، روم بت‌پرست در سال 65 پیش از میلاد امپراتوری سلوکی را فتح کرد، و سپس در سال 63 پیش از میلاد، یهودا را. مانع سوم آکتیوم در سال 31 پیش از میلاد، پایان پادشاهی مصر را معرفی کرد، چنان‌که موانع نخست سلوکیان در سال 65 پیش از میلاد بدان نمونه‌وار اشاره داشتند. بار دیگر، امضای اول و آخر را می‌یابیم. سال 65 پیش از میلاد نخستین سه مانع بود و نمایانگر غلبه بر پادشاه شمال؛ و سال 31 پیش از میلاد سومین سه مانع بود و نمایانگر غلبه بر پادشاه جنوب. یهودا، به‌عنوان مانع میانی این سه مانع، هنگامی که پمپی در سال 63 پیش از میلاد رسید، در درون دیوارهای اورشلیم گرفتار جنگ داخلی بود. مانع دوم، نمادی از شورش است.

در سال ۵۳۸، سومین مانع روم پاپی از شهر روم بیرون رانده شد. آن مانع، گوت‌ها بودند، و در همان‌جا پادشاهی پنجم نبوت کتاب مقدس آغاز شد؛ درست در همان نقطه‌ای که پادشاهی چهارم پایان یافته بود. و همان‌گونه که پادشاهی چهارم در سومین مانع خود آغاز شد، پادشاهی مصر مغلوب گردید، چنان‌که در نخستین مانع پادشاهی سلوکی به‌گونه‌ای نمادین پیش‌تر نشان داده شده بود. این امر آشکار می‌سازد که شهادت نبوی مذکور در آیات بیست و چهار تا سی، نمایانگر خطی است که همچنین باید در تاریخ پنهان آیهٔ چهل جای داده شود. از این رو، ضروری است روابط گوناگون نبوی‌ای که به‌وسیله مارک آنتونی، کلئوپاترا، ژولیوس سزار، پومپه و آگوستوس سزار بازنمایی می‌شوند، مورد بررسی قرار گیرند.

پس آیا مبهم‌ترین بخش این عبارت، از آیه بیست و چهار تا سی، همان‌جاست که ایشان بر یک سفره به دروغ سخن می‌گویند؟

و دل هر دوی این پادشاهان بر شرارت خواهد بود، و بر سر یک سفره دروغ خواهند گفت؛ اما کامیاب نخواهد شد، زیرا که پایان هنوز در زمان معین خواهد بود. دانیال 11:27.

اوریا اسمیت آن دو پادشاه را مارک آنتونی و آگوستوس سزار معرفی می‌کند.

«آیه بیست و هفتم نقل شد»

«آنتونی و قیصر پیش‌تر در اتحاد بودند. با این حال، در زیر جامه دوستی، هر دو در آرزوی فرمانروایی جهانی بودند و برای آن دسیسه می‌چیدند. اظهارهای آنان مبنی بر حرمت‌نهادن به یکدیگر و دوستی با یکدیگر، سخنان ریاکاران بود. آنان بر سر یک سفره به یکدیگر دروغ می‌گفتند. اکتاویا، همسر آنتونی و خواهر قیصر، در زمانی که آنتونی او را طلاق داد، به مردم روم اعلام کرد که تنها با این امید رضایت داده بود با او ازدواج کند که این ازدواج وثیقه‌ای برای اتحاد میان قیصر و آنتونی باشد. اما آن تدبیر کامیاب نشد. گسست فرا رسید؛ و در کشاکشی که از پی آن پدید آمد، قیصر به طور کامل پیروز از کار درآمد.» یوریا اسمیت، Daniel and the Revelation, 276.

هنگامی که اکتاویا تشخیص داد که ازدواج او با آنتونی به منزله تعهدی برای اتحاد است، این امر اتحاد زناشویی‌ای را مشخص ساخت که پیش‌تر در باب یازدهم، با ازدواج دوران هلنیستی برنیس با پادشاه سلوکی، آنتیوخوس دوم تئوس، در حدود 252 ق.م. به طور نمادین پیش‌نموده شده بود. برنیس دختر بطلمیوس دوم فیلادفوس بود. اکتاویا و برنیس نمایانگر ازدواج‌های دیپلماتیک، یا از نظر نبوی، معاهدات هستند. آیات پنج تا ده، تاریخ ازدواج دیپلماتیک میان پادشاهی‌های جنوبی و شمالی را مشخص می‌کنند، و هنگامی که مارک آنتونی و اکتاویان، که بعدها به آگوستوس قیصر شناخته شد، این ازدواج را ترتیب دادند، آنان همچنین پادشاهی را به شرق و غرب تقسیم کردند.

پیمان برون‌دیزیوم (۴۰ ق.م.) مصالحه‌ای مذاکره‌شده میان مارک آنتونی و اکتاویان (که بعدها آگوستوس شد) بود تا تنش‌ها را در دومین تریومویرات، پس از نزدیک شدن به جنگ داخلی، برطرف سازد. این پیمان شامل تقسیم سرزمین‌های روم بود (برای آنتونی مشرق، برای اکتاویان مغرب) و با ازدواج آنتونی با اکتاویای (خواهر اکتاویان) مهر و تثبیت شد. در ۳۹ ق.م. دوره اصلی پنج‌ساله تریومویرات به پایان رسید؛ آنتونی با بیش از ۳۰۰ کشتی به سوی ایتالیا حرکت کرد که در آغاز از فرود آمدن آنها در برون‌دیزیوم جلوگیری شد، از این رو سرانجام در تارتنوم پهلو گرفتند. اکتاویان پس از میانجی‌گری‌های طولانی‌ای که از عدم تمایل سپاه آنتونی به جنگ با سپاه اکتاویان، و بالعکس، پدید آمده بود، در آنجا با او دیدار کرد. اکتاویا نقشی کلیدی در میانجی‌گری ایفا کرد و آنتونی را برانگیخت تا در برابر سکستوس پومپه از اکتاویان پشتیبانی کند. آنان تریومویرات را برای پنج سال دیگر (تا ۳۲ ق.م.) تجدید کردند؛ بدین‌گونه که آنتونی در برابر وعده سپاهیانی که به اکتاویان داده شده بود (و اکتاویان بعدها از اعزام آنها خودداری کرد)، ۱۲۰ کشتی در اختیار او نهاد.

در سال ۳۲ پیش از میلاد، میان این دو رقیب متخاصم گسستی آشکار پدید آمد. روابط بر اثر تبلیغات، تمرکز آنتونی بر مشرق (همراه با کلئوپاترا)، و تحکیم قدرت اوکتاویان در مغرب رو به وخامت نهاده بود. اوکتاویان پیشنهادهای بعدی آنتونی برای برگزاری کنفرانس، پیش از اکتیوم، را رد کرد.

در ازدواج دیپلماتیک با پادشاه شمال (آنتیوخوس) و پادشاه جنوب (بطلمیوس)، این پادشاه جنوب بود که عروس را فراهم کرد؛ اما در ازدواج دیپلماتیک آنتونی (شرق) و اکتاویان (غرب)، عروس از سوی غرب فراهم شد. هر دو ازدواج دیپلماتیک به شکست انجامیدند، و فراهم‌کننده دختر یا خواهر، در نهایت، بر قدرتی که عهد را شکست پیروز گردید.

## شهادت سه‌گانه

در پایان امپراتوری سلوکی، سومین عهدی وجود داشت که در آن، در کنار یک میز، دروغ‌ها بر زبان رانده شد. این امر در بستر جنگ پنجم سوریه (202-195 BC) رخ داد، هنگامی که آنتیوخوس سوم مگنوس از ضعف پادشاهی بطلمیوسی پس از مرگ بطلمیوس چهارم فیلیپاتور در 204 BC بهره‌برداری کرد. بطلمیوس پنجم ایپیفانیس (بطلمیوس پنجم) در کودکی (در حدود 5-6 سالگی) بر تخت نشست، و بدین‌سان مصر را زیر نظر نایبان سلطنت و در معرض آشوب داخلی، شورش‌های بومی، و تهدیدهای خارجی رها کرد.

آنتیوخوس بزرگ پیش‌تر، پس از پیروزی‌هایی چون نبرد پانیوم (200 ق.م.)، به بخش بزرگی از متصرفات بطلمیوسی در کله‌سوریه، فلسطین، و آسیای صغیر یورش برده و آن‌ها را تصرف کرده بود. او به‌جای آن‌که مصر را به‌طور کامل فتح کند (که مستلزم خطر مداخله روم بود، زیرا روم او را تحت فشار می‌گذاشت که از برخی نواحی دور بماند)، در هیئت شخصیتی «حامی»، اتحاد زناشویی دیپلماتیکی را دنبال کرد. در 197/195 ق.م.، به‌عنوان بخشی از معاهده صلحی که به جنگ پایان داد، آنتیوخوس بزرگ دختر خردسال خود، کلئوپاترا اول سیرا (که کلئوپاترا سیرا نیز خوانده می‌شود)، را به کودک، بطلمیوس پنجم، نامزد کرد و سپس به ازدواج او درآورد (این ازدواج در 193 ق.م. در رافیا انجام شد؛ بطلمیوس 16 ساله بود و کلئوپاترا 10 ساله).

این امر در قالب اقدامی سخاوتمندانه عرضه شد: آنتیوخوس خود را به‌منزله متحد و «حامی» شاه جوان جلوه داد؛ در حالی که صلح را تضمین می‌کرد و هم‌زمان دستاوردهای خود را در آسیا محفوظ نگه می‌داشت. این ازدواج از طریق دخترش به او نفوذی غیرمستقیم بر مصر می‌بخشید (او امید داشت که وی نسبت به ریشه‌های سلوکی خود وفادار بماند و در دربار بطلمیوسی به‌مثابه صدایی طرفدار سوریه عمل کند). این تدبیر نتیجه معکوس داد، زیرا کلئوپاترا جانب شوهر خود و مصر را گرفت، نه پدرش را، و بدین‌سان سلطه درازمدت آنتیوخوس را تضعیف کرد. این امر بازتاب‌دهنده پیمان برون‌دیزيوم (40 BC) بود و از چند جهت با رویدادهای رومی ارتباط داشت.

چنان‌که آنتونی برای پیوند دادن قدرت‌های رقیب پس از آستانه جنگ، با اکتاویا (خواهر اکتاویان) ازدواج کرد، آنتیوخوس نیز از ازدواج دخترش با بطلمیوس پنجم بهره گرفت تا صلحی موقتی و تقسیم سرزمینی را رسمیت بخشد (سلوکیان فتوحات خود را در شمال حفظ کردند، و بطلمیوس مصر جنوب را نگاه داشت).

آنتیوخوس، به‌واسطه پیوندهای خانوادگی، عملاً همچون قیمی بر شاه کودک، بطلمیوس پنجم، عمل کرد؛ مشابه همان‌گونه که اکتاوین (و هیئت سه‌نفره حاکم) در میانه خلأهای قدرت یا رقابت‌ها برای خویش جایگاهی دست‌وپا کردند. در هر دو مورد، شخصیت «نیرومندتر» (آنتیوخوس/اکتاوین) می‌کوشید از طریق خویشاوندی بر طرف آسیب‌پذیرتر اهرم نفوذ به دست آورد. هر دو ترتیبات، ثباتی کوتاه‌مدت پدید آوردند، اما در درازمدت «کامیاب نشدند»؛ زیرا بی‌اعتمادی نهفته در بنیان آن‌ها وجود داشت—کلئوپاترا جانب مصر را گرفت (و بدین‌سان آنتیوخوس را تضعیف کرد)، در حالی که تمرکز آنتونی بر شرق (کلئوپاترای هفتم) به فروپاشی رابطه‌اش با اکتاوین انجامید.

صغر سن بطلمیوس پنجم تحت قیمومت نایبان، همتای بی‌ثباتی پس از مرگ ژولیوس سزار است (که به تشکیل تریومویرات و کشمکش‌های قدرت انجامید). ازدواج برنیسه با آنتیوخوس، آغاز تاریخ امپراتوری سلوکی در دانیال یازده را نشان‌گذاری کرد، و ازدواج دختر آنتیوخوس کبیر با پادشاه کودک مصر، پایان امپراتوری سلوکی را نشان‌گذاری نمود. پایان ازدواج مارک آنتونی با اکتاویا، پایان پادشاهی بطلمیوسی را نشان‌گذاری کرد. پایان یهودا به‌عنوان قوم عهد خدا، بر صلیب واقع شد، و آن پادشاهی یهودیه با مکابیان و اتحادی که با روم بستند آغاز گردید. تمامی این خطوط نبوی در درون

روایت فصل یازدهم دانیال بازنمایی شده‌اند، و همگی با تاریخ پنهان آیهٔ چهل هم‌راستا هستند. از آیهٔ پنج آغاز می‌کنیم که در آن معاهدهٔ برنیه را داریم؛ معاهده‌ای که به آنتیوخوس کبیر و معاهدهٔ دختر او، کلتوپاترا سیرا، می‌انجامد؛ معاهده‌ای که در تاریخ مکابیان آیهٔ بیست‌وسه رخ می‌دهد. مکابیان بر پایهٔ شورش خود بر ضد آنتیوخوس ایپیفانس، که یکی از آخرین افراد دودمان سلوکی بود، بخشی از این سلسلهٔ تاریخی می‌شوند.

آنتیوخوس ایپیفانس همان آنتیوخوسی است که در سال ۱۶۸ پیش از میلاد، در جریان ششمین جنگ سوریه، در مصر و در نزدیکی اسکندریه حضور داشت. آنتیوخوس ایپیفانس به مصر یورش برده بود و در آستانه تصرف اسکندریه قرار داشت. فرمانروایان بطلمیوسی برای یاری به روم متوسل شدند. روم، پوپیلیوس لائناس را - تنها با همراهی اندکی، و نه با سپاه - فرستاد تا اولتیماتومی از جانب سنا ابلاغ کند: آنتیوخوس باید بی‌درنگ از مصر و قبرس عقب‌نشینی کند، وگرنه با جنگ روم روبه‌رو خواهد شد. هنگامی که آنتیوخوس نامه را دریافت کرد و خواست فرصتی برای مشورت با مشاوران خود داشته باشد، پوپیلیوس - که او را مردی سختگیر و آمرانه توصیف کرده‌اند - عصای دستی خود را برداشت و در شن، گرداگرد پاهای پادشاه دایره‌ای کشید. سپس اعلام کرد: «پیش از آنکه از آن دایره بیرون نهی، پاسخی به من بده تا آن را به سنا عرضه کنم.»

مقصود آشکار بود؛ آنتیوخوس نمی‌توانست بی‌آنکه به خواسته‌های روم متعهد شود، از آن دایره بیرون رود - عبور از آن بدون توافق، به معنای جنگ بود. آنتیوخوس که بهت‌زده و خوار شده بود، اندکی درنگ کرد، اما سپس پذیرفت که تمکین کند، نیروهای خود را از مصر بیرون کشید، و به سوریه بازگشت. این اقدام جسورانه دیپلماتیک (که اعتبار روزافزون روم در قدرت، پشتوانه آن بود) بی‌آنکه نبردی درگیرد، عقب‌نشینی را تحمیل کرد و برتری در حال ظهور روم را در بخش شرقی دریای مدیترانه به نمایش گذاشت. از این واقعه به‌طور گسترده به‌عنوان یکی از خاستگاه‌های عبارت «خطی در شن کشیدن» یاد می‌شود (هرچند در واقع، آن خط یک دایره بود).

آنتیوخوس ایپیفانس همچنین در فهم پروتستانی، همان قدرتی شمرده شد که در آیهٔ چهاردهم دانیال یازدهم خود را برمی‌افزاد، سقوط می‌کند و رؤیا را برقرار می‌سازد.

و در آن زمان‌ها بسیاری بر ضد پادشاه جنوب برخوانند خاست؛ و نیز زورمندان قوم تو سر برخوانند افراشت تا رؤیا را استوار سازند؛ اما ایشان سقوط خواهند کرد. دانیال ۱۱:۱۴.

آنتیوخوس چهارم ایپیفانس در سال‌های ۱۷۵ تا ۱۶۴ ق.م. سلطنت کرد و هشتمین سیزده پادشاه سلوکی بود. او در پی آن بود که فرهنگ هلنیستی را تحمیل کند و امپراتوری خود را زیر آیین‌های دینی یونانی یکپارچه سازد. او در ۱۶۹ ق.م. معبد را غارت کرد، اعمال یهودی (ختنه، نگاه‌داشت سبت، مطالعه تورات) را ممنوع ساخت، و قربانی‌کردن برای خدایان بت‌پرستان را تحمیل کرد. در دسامبر ۱۶۷ ق.م. او مذبحی بت‌پرستانه (برای زئوس) بر فراز مذبح یهودی قربانی‌های سوختنی در معبد برپا کرد و خوکی را قربانی نمود، همراه با دیگر اعمال نامقدس. این بی‌حرمتی برای یهودیان پایبند آخرین قطره بود، زیرا آنان آن را نهایت نقض قداست معبد و شریعت خدا می‌دانستند. این امر مقاومت فوری را برانگیخت، هنگامی که متتیا (کاهنی از مودئین) از فرمان یک افسر سلوکی برای قربانی‌کردن به خدایان بت‌پرستانه سر باز زد و یک یهودی مرتد و آن افسر را کشت، سپس با پسرانش (مکابیان آینده) به کوهستان گریخت. این رویداد جنگ‌های چریکی و شورش را در فاصله ۱۶۷ تا ۱۶۰ ق.م. شعله‌ور ساخت که هدف آن بازگرداندن عبادت یهودی بود، و سرانجام به تجدید تقدیس معبد (حانوکا) در ۱۶۴ ق.م. تحت رهبری یهودا مکابی انجامید.

در آغاز و پایان امپراتوری سلوکی، معاهده‌ای مهم وجود داشت که با یک ازدواج سیاسی نمایانده می‌شد و عنصر تقسیم میان شرق و غرب، یا شمال و جنوب را در بر داشت. هنگامی که امپراتوری

سلوکی رو به افول نهاد، آنتیوخوس ایپیفانیس به نماد قدرت رو به صعود روم بدل می‌شود و کانون خشم مکابیان می‌گردد. بعدها در تاریخ، او بدل جعلی آن نماد نبوی می‌شود که رؤیا را برقرار می‌سازد. قدرت مذکور در آیه بیست و دو از باب یازدهم، هنگامی شکسته می‌شود که رئیس عهد شکسته شد.

و بازوان سیلاب از حضور او جاروب خواهند شد و شکسته خواهند گشت؛ بلکه نیز رئیس عهد. دانیال ۱۱:۲۲

سلطنت آنتیوخوس ایپیفانس در سال ۱۶۴ پیش از میلاد پایان یافت، تقریباً دوپست سال پیش از آن که مسیح، «رئیس عهد»، بر صلیب «منکسر» گردد. آنچه در اینجا می‌خواهیم بدان توجه کنیم این است که امپراتوری سلوکی با یک ازدواج معاهده‌ای دیپلماتیک آغاز شد و با یک ازدواج معاهده‌ای دیپلماتیک پایان یافت؛ ازدواجی که فریب‌کاری میان دو طرف، در هر دو مورد، از امور ثبت شده در تاریخ است. در دوران سلطنت آنتیوخوس ایپیفانس، قیام مکابیان آغاز شد که نمادی از انقلاب آمریکا بود. در تاریخ مکابیان، مبارزه ایشان برای افکندن یوغ قدرت سلوکی، مشتمل بر معاهده‌ای مهم با روم بود. آیه‌ای که آن معاهده را به طور مستقیم مشخص می‌سازد، همچنین به صراحت روم را چنین معرفی می‌کند که با فریب‌کاری عمل می‌کرد، یا بر سر میز معاهده دروغ می‌گفت.

و پس از پیمانی که با او بسته شود، او به مکر عمل خواهد کرد؛ زیرا برخواهد آمد، و با قومی اندک نیرومند خواهد شد. دانیال ۱۱:۲۳

هر سطر نبوی که پیش از زمان آخر در آیه چهل می‌آید، در بردارنده عهدی شکسته است. اوریا اسمیت، در شرح عبارت «آنان که عهد مقدس را ترک می‌کنند» در آیه سی، چنین می‌نویسد:

«خشم بر ضد عهد؛ یعنی بر کتب مقدس، کتاب عهد. انقلابی از این گونه در روم به انجام رسید. هرولی‌ها، گوت‌ها و وندال‌ها که روم را فتح کردند، ایمان آریوسی را پذیرفتند و دشمنان کلیسای کاتولیک شدند. به ویژه به منظور ریشه‌کن ساختن این بدعت بود که یوستی‌نیان فرمان داد پاپ رئیس کلیسا و اصلاح‌کننده بدعت‌گذاران باشد. دیری نپایید که کتاب مقدس چونان کتابی خطرناک تلقی شد که مردم عامه نباید آن را بخوانند، بلکه همه مسائل مورد اختلاف باید به پاپ ارجاع داده می‌شد. بدین سان اهانت بر کلام خدا افزوده شد. و امپراتوران روم، که بخش شرقی آن همچنان به بقا ادامه می‌داد، با کلیسای روم، که عهد را ترک گفته و ارتداد عظیم را پدید آورده بود، ارتباط و همدستی داشتند، به منظور سرکوب «بدعت». مرد گناه با شکست گوت‌های آریوسی، که در آن زمان روم را در تصرف داشتند، در سال ۵۳۸ میلادی بر تخت گستاخانه خویش برکشیده شد.» اوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، 281.

آیه پنجم دانیال یازده آن رشته تاریخی را شناسایی می‌کند که در آن پادشاه جنوب، عروسی دیپلماتیک را به عنوان نماد عهدنامه‌ای فراهم می‌آورد که پس از آن به دست پادشاه شمال شکسته شد. تلافی پادشاه جنوب، نمونه‌ای از تلافی پادشاه جنوب روحانی ناپلئون علیه پادشاه شمال پاپی در سال ۱۷۹۸ بود. عهدنامه شکسته شده آیات پنج تا نه، نمونه‌ای از عهدنامه شکسته شده تولنتینو از سوی ناپلئون بود، که خود نمونه‌ای از ادعای پوتین درباره عهدنامه‌ای شکسته شده به وسیله ناتو بود. تلافی ناپلئون نمونه‌ای از تلافی پوتین علیه اوکراین در سال ۲۰۱۴ بود. تلافی آیه دهم آنتیوخوس بزرگ، که به جنگ چهارم سوریه پایان داد، با ناپلئون در ۱۷۹۸ و نیز با پوتین در ۲۰۱۴ هم‌راستا است. پس از نبرد پانیوم در آیه پانزدهم در سال ۲۰۰ ق.م، آنتیوخوس با قصدی پنهان، ازدواجی دیپلماتیک ترتیب داد تا مصر را بدون به‌کارگیری نیروهای نظامی زمینی تحت فرمان خود درآورد. تخت آنتیوخوس بزرگ به پسرش منتقل شد، اما او ترور گردید، و این امر کوچک‌ترین پسر آنتیوخوس بزرگ، یعنی آنتیوخوس ایپیفانیس، را به تخت رساند. اقدامات او در اجرای رسوم و دین یونانی موجب شورش مکابیان شد، که به عهدنامه

فریبکارانه با روم در آیه بیست و سه انجامید. آیه بیست و چهار روم بت پرست را معرفی می کند و سفره دروغ آنتونی و آگوستوس را مشخص می سازد. در آیه سی، روم بت پرست وارد گفت و گو با کلیسای پاپی می شود، که از ایشان به عنوان کسانی که عهد مقدس را شکسته بودند یاد شده است.

آیات بیست و چهار تا سی، شهادت روم مشرک است و آیات سی و یک تا چهل، شهادت روم پاپی را ارائه می دهد. هر سطر از دانیال یازده، از آیه یک تا آیه چهل، نمایانگر خطی از نبوت است که در تاریخ پنهان آیه چهل به کار بسته می شود. خط پادشاهی سلوکی، خط پادشاهی بطلمیوسی، خط پادشاهی یهودی مکابیان، خط روم مشرک و خط روم پاپی، همگی تاریخ ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه را به تصویر می کشند. هر یک از آن خطوط، پیمانی شکسته شده را به عنوان عنصری اصلی در آن تاریخ معرفی می کند.

این روم است که رؤیای دانیال یازده را استقرار می بخشد، و عهدهای نیرنگ آمیز نبوی هر دو روم بت پرست و پاپی به عنوان اموری تدریجی و نیز به عنوان وقایعی که پیش از آن که روم در ادوار نبوی خاص و متمایز خود به طور مطلق فرمان براند رخ داده اند، مشخص شده اند. هر دو قدرت، آغاز دوره نبوی برتری خود را از زمانی معین کردند که سومین مانع ایشان برطرف شد. پیش از قانون یکشنبه ای که به زودی در ایالات متحده خواهد آمد، میان دو قدرت عهدی از نیرنگ برقرار خواهد شد. چهار بار این دو قدرت پادشاهان جنوب و شمال بوده اند: یک بار میان سرزمین جلال یهودا و روم، یک بار میان دو بخش از حاکمیت سه نفره روم، و یک بار میان روم بت پرست و روم پاپی. در هر دو عهد فریبکارانه مربوط به روم، این امر در حکم عهدی میان یک نیمه از امپراتوری روم بود؛ خواه آنتونی مشرق باشد، خواه آگوستوس مغرب، یا روم بت پرست مشرق و روم پاپی مغرب. چهار عهد نیرنگ آمیز میان پادشاهان شمال و جنوب، دو عهد میان پادشاهان مشرق و مغرب، و یک عهد میان پادشاهی که به زودی پادشاه شمال خواهد شد و سرزمین جلال.

بدین سان، ارائه آغازین ما درباره کتاب دانیال به پایان می رسد. مجموعه پانیوم، فرجام مجموعه مربوط به کتاب دانیال را تشکیل می دهد؛ مجموعه ای که مقدمه ای است بر تاریخ پنهان آیه چهل، تاریخی که در مقاله بعدی نیز به بررسی آن ادامه خواهیم داد.